

# انعکاس مراسم آیینی زار در چهار نمایش

## قسمت اول

مقدمه:

رایج‌ترین نظریه خاستگاه تئاتر بر آن است که تئاتر از دل اسطوره‌ها و آیینها به در آمده و متحول شده است. در یک نمایش آیینی و مراسم آیینی اجرا کنندگان و تماشاگران در فعالیت جمعی به نوعی وحدت می‌رسیدند. وحدتی که آن جامعه را متعادل می‌کرد و نیروی معنوی و روحانی قبیله یا جماعت را آزاد می‌ساخت. این آیینها کاربردی همه جانبه داشت و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی محسوب می‌شد و کم و بیش همان وظایفی را بر عهده می‌گرفت که امروز برای تئاتر مطرح است.

## چکیده:

در این مقاله نخست به مقدمه‌ای در مورد تئاتر و سپس معرفی مراسم آیینی زار و انواع آن و شناخت تفصیلی موضوع، ساز، حرکت و نشانه‌های آنها اشاره شده است. پس از آن چهار نمایش گل و جهله، آینه توی سقف، فیروزه که می‌خواند، زنان مهتابی و مرد آفتابی و چگونگی انعکاس انواع زار در آنها توضیح داده شده است.

روش کار: ابتدا انواع مراسم زار مورد بررسی قرار گرفت و سپس فیلمهای تئاترهای مورد پژوهش با کارگردان چهار نمایش (کوروش زارعی) با چند فیلم مستند و مصاحبه‌هایی که با چند تن پژوهشگر و «بابازار» انجام شده بود، از طریق تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفت.

نتیجه حاصله از این بررسی، انعکاس مراسم آیینی زار در نمایشهای مذکور، چه از نظر موضوع، ساز، حرکت و نشانه‌هایی که در آنها به کار رفته می‌باشد.

واژگان کلیدی: تئاتر، آیین زار، ایران



(گل و جهله، آینه توی سقف،  
فیروزه که می‌خواند،  
زنان مهتابی و مرد آفتابی)

دکتر محمدعلی خیری<sup>۱</sup>

محمدرضا پورجعفر<sup>۲</sup>

۱) عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و

هنر چهارم دانشگاهی

دوره دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

۲) دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

آیینها توانستند عناصری همچون محل اجرا، اجراکنندگان، حرکت نمایشی و تماشاگران را فراهم آورند که پیدایش و تحولات آینده تئاتر به آنها وابسته بود. آیینها بر اثر تکرار و تداوم به شکل مناسکی بسیار دقیق در فرهنگهای قبایل پذیرفته و پالوده شدند.

از هنگامی که برای اجرای آیینها متنی تهیه شد، آنچه که امروز تئاتر می‌نامیم زاده شد. قدیمی‌ترین سند درباره‌ی خاستگاه درام (تئاتر) یونانی فصلی از فن شعر ارسطو است که می‌نویسد: تراژدی از بدیهه‌سازی سرخون، دیتی رامب<sup>۱</sup> به وجود آمده است.<sup>۲</sup>

در طول تاریخ تئاتر همواره شاهد این مدعا بوده‌ایم که بازتاب اسطوره‌ها و آیینها و مراسم مختلف آیینی در انواع نمایشهای مکتوب و اجرا شده دیده می‌شود و در فرهنگهای مختلف با آنها رفتارهای گوناگون داشته‌اند. برای این رفتارهای گوناگون دو علت عمده را می‌توان برشمرد:

۱. تنوع و پیچیدگی تئاتر، که قادر است از پیش یا افتاده‌ترین حرکات نمایشی و تفریحی تا متعالی‌ترین جنبه‌های معرفت بشر را به نمایش بگذارد.

۲. دامنه اقتدار و نفوذ فرهنگی اسطوره‌ها و آیینها که در پی کشف و افشای رازهای نهفته حیات انسان است.

این تلفیق با گذشت زمان و گذشتن از مراحل خاص به کیفیتی دست می‌یابد که آن را از سایر جلوه‌های بدوی نمایش متمایز می‌کند و در زمینه فعالیت‌های خلاقه آدمی جایگاهی در خور و شایسته می‌یابد.

نمایش در وسیع‌ترین مفهوم خود، بر دو عامل حرکت و صدا استوار است. این دو، در طول زمان، پا به پای هم پیش آمده، تأثیراتی بر یکدیگر گذاشته و تحولاتی را گذرانده‌اند. نهایت آنکه با تلفیقی متعادل و معقول از شکلی ساده و ابتدایی که برآورنده نیازهای روزمره آدمی بوده است به ساختمانی پیچیده و متعالی دست می‌یابند و از هر قوم و عشیره‌ای خصیصه‌ای وام می‌گیرند و از سرزمینی به سرزمین دیگر کوچ می‌کنند. اگر باور کنیم که هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از نمایش نیست، جامعه ایران نیز این نیاز را از طریق انواع آیینهای تفریحی و نقالی و شاهنامه‌خوانی و ... در قالب نمایش برآورده ساخته است.

اما در قرن نوزدهم میلادی هنگامی که ایرانیان با تمدن جدید غرب آشنا شدند و هم‌زمان آشنایی با اندیشه غربی، نوعی از هنر نمایش به نام تئاتر به وجود آمد که قالبهای موجود نمایش در ایران را، پاسخ‌گوی نیاز نمایشی جامعه ایران نیافتند و به مرور زمان این نوع جدید نمایش در ایران رواج یافت و با رواج آن از اهمیت اجرای نمایشهای آیینی و سنتی کاسته شد. در میان کسانی که به اجرا یا نوشتن این نوع نمایش می‌پرداختند

کسانی بودند که با مطالعه درباره تئاتر و تجربیات تاریخ تئاتر سعی کردند که از هویت ملی و دینی و فرهنگی خود با استفاده از اسطوره‌ها و مراسم آیینی، دفاع کنند.

یکی از مراسمی که همواره مورد توجه بعضی از هنرمندان تئاتر بوده است استفاده از مراسم «زار» در تئاتر ایران است. آیین‌زار یکی از انواع آیینهای است که در جنوب ایران و بیشتر در استان هرمزگان و بوشهر برگزار می‌شود. این مراسم برای درمان بیمارانی است که دچار اختلالات روانی که به جن‌زدگی و هواگرفتگی و زارگرفتگی معروف است، توسط افرادی به نام «بابازار» و «مامازار» درمان می‌گردد. در این مراسم از موسیقی، حرکات، اوراد و نمادهای خاص در ریتمهای متنوعی استفاده می‌شود.

روش شکل‌گیری این مقاله به گونه‌ای است که ابتدا به شناخت زار و انواع آن و چگونگی مراسم زار می‌پردازد و سپس چهار نمایش را مورد بررسی قرار می‌دهد که توسط یک کارگردان در چهار جشنواره بین‌المللی فجر به نمایش در آمده است. این نمایشها عبارت‌اند از:

۱. نمایش «گل و جهله» نویسنده: علی رضایی، کارگردان: کوروش زارعی، جشنواره دوازدهم بین‌المللی فجر ۱۳۷۲. جوایز: جایزه دوم نویسندگی، جایزه دوم کارگردانی، جایزه اول بازیگری نوجوان، جایزه اول بازیگری مرد و کار برگزیده کانون ملی منتقدان تئاتر ایران.

۲. نمایش «آینه توی سقف» جشنواره هفدهم بین‌المللی فجر سال ۱۳۷۲. نویسنده: جمشید خانیان، کارگردان: کوروش زارعی، جوایز: جایزه کارگردانی اول، منتخب شرکت در جشنواره جاده ابریشم مولایم آلمان.

۳. نمایش «فیروزه که می‌خواند»، جشنواره نوزدهم بین‌المللی فجر ۱۳۷۹. جوایز: جایزه سوم بازیگری مرد و جایزه سوم طراحی و موسیقی، جایزه اول طراحی صحنه کانون منتقدان تئاتر ایران.

۴. نمایش «زنان مهتابی، مرد آفتابی» نویسنده: چیستا یثربی، کارگردان کوروش زارعی، جشنواره بیست و یکم بین‌المللی فجر ۱۳۸۱ و شرکت در جشنواره تئاتر شرق در استانبول ترکیه، جوایز: جایزه اول نویسندگی، جایزه سوم کارگردانی، جایزه دوم بازیگری مرد، تقدیر از بازیگری زن.

#### زار چیست؟

از مجموعه مبحثهایی که به دست آمده است، زار یک نوع بیماری است که در سواحل جنوبی ایران شیوع پیدا کرده است. معمولاً این بیماری با معالجات پزشکی قابل درمان نمی‌باشد، زیرا معتقد هستند که نوعی باد یا جن وجود شخص را تسخیر می‌کند که تنها با برگزاری مراسم می‌توان آن باد را آرام کرد و بیمار را از بیماری رها کنید. باد،

زار یا جن جنونی است که مریض را هوایی می‌کند و تا بیرون نیاید ممکن است بیمار را از بین ببرد.

#### «بابازار» و «مامازار» کیست؟

اشخاصی که به این بیماری دچار و معالجه شده‌اند، به «اهل هوا» و کسانی که معالجات آنها را به عهده می‌گیرند به بابازار یا مامازار معروف شده‌اند. برای مبتلا شدن به این بیماری حد سنی لازم نیست. از ده سالگی به بالا ممکن است وارد تن شخص شده و او را بیمار کند.<sup>۳</sup>

#### ریشه‌های تاریخی زار:

ساحل‌نشینان جنوب ایران، سالهای سال با مرز نشینان خاکهای دیگر کشورها، آشنایی، رفت و آمد و آمیزش داشته‌اند. راه دریا راه آشنایی مردم بوده است. وسیله رفت و آمد کشتی و جهازات معمولی بوده است که مردم سواحل جنوب می‌ساختند و به آب می‌انداختند. مقصد اول این ساحل‌نشینان آفریقا و مقصد بعدی هند بوده است.

آنها برای سفر به آفریقا، ابتدا عازم مسقط و خاک یمن می‌شدند و سپس به مرز سومالی می‌رسیدند و بعد به موگادیشو پایتخت سومالی وارد می‌شدند و بالاخره از زنگبار و دارالسلام به تانزانیا می‌رسیدند. زمان این مسافرت گاهی سه سال طول می‌کشید. بدین جهت فرهنگ ابتدایی «سواحلی» بیشتر از هر فرهنگ دیگری در آداب و سنن بومیان ساحل‌نشین جنوب ایران تأثیر گذاشته است. این چنین سفرها و رفت و آمدها و همسایگی با سرزمین عرب‌نشین و شیخ‌نشین و تماس بین آنها از راه دریا، باعث شده است که مخلوطی از آداب و رسوم و اعتقادات سواحلی و عربی و هندی و ایرانی، فرهنگ مردم این سامان را تشکیل می‌دهد.

در مورد مراسم زار، عقیده عمومی به وجود جنی است به نام زار که از حبشه به جهان اسلامی راه یافته است. عقاید مشابه درباره جنی که موقتاً در وجود بعضی از افراد انسانی حلول می‌کند، در کشورهای اسلامی، آسیایی و آفریقایی دیده شده است که نامهای مختلفی دارند. در نیجریه «حوری» و در مالایا «اموک» نام دارد. در حبشه اسم زار که از نام خدای آسمان در فرهنگ «کوشی»ها گرفته شده «جار» نامیده می‌شود. در زبانهای دیگر آفریقایی «دار» یا «دارو» آمده است. این خدای شرک بعد از مسیحی شدن حبشه به صورت یک موجود فوق بشری دارای قدرت متوسط ظاهر شده و از حبشه به عالم اسلام راه یافته است. در حبشه، مسلمانان و مسیحیان عقیده داشتند که زار به طور عمده در رودخانه‌ها و آبهای جاری زندگی و بدن اشخاص را تسخیر می‌کند و عقیده بر این است که می‌توان زار را از بدن شخص تسخیر شده با طلسم و مناسکی که پیروان هر دو مذهب به آن معتقدند، بیرون کرد. در این مراسم از زار خواسته می‌شود که نامش را فاش کند زیرا با این کار «زار» تمام

قدرت خود را از دست می‌دهد.

### انواع ظاهری باد

بادها به دو طریق خود را نشان می‌دهند.

۱. یکی بادی که می‌بینند و نگاه می‌کند و با چشم باز راه می‌رود. این باد از همه چیز باخبر است اگر «زیرش» بیاورند از همه دنیا خبر می‌دهد. این بادی است که مجلس داشته است شعر و آواز شنیده و برایش دهل زده‌اند و خون قربانی خورده است. اغلب بادهای «بابازار» یا «مامازار»ها بی‌نا هستند که به باد صاف نیز معروف می‌باشند.
۲. دسته‌ای دیگر بادهای کورند که به بادهای ناصاف معروف‌اند. این باد مجلس و سفره ندیده، خون نخورده، شعر و آواز و دهل نشنیده است.

### بادهای عمده و مشهور

۱. باد زار ZAR: این بادها همه کافرند، به جز عده‌ای محدود، همه را «باد سرخ» می‌گویند.
  ۲. نوبان Noban: بادی است که شخص را علیل و بی‌حرکت و افسرده می‌کند.
  ۳. باد مشایخ Mashayekh: عده‌ای مسلمان و پاک و بی‌خطر و عده‌ای دیگر خطرناک هستند. این بادها در سواحل مسلمان نشین فراوانند.
  ۴. باد جن: بادهای زمینی یا زیرزمینی هستند. همه خطرناک و زنجیری و دارای مضرات بسیارند.
  ۵. باد پری: شامل پریهای کافر و پریهای اهل حساب‌اند. هر دو، شخص را مبتلا می‌کنند. باد پری کافر و خطرناک است.
  ۶. باد دیب «دیو»: قد بسیار بلند دارد و در بیابانها و جزایر به انسان بر می‌خورد و همان دم انسان را بی‌جان و خشک می‌کند.
  ۷. باد غول: این باد از دور همچون شتری مست پیدا می‌شود و هر کس که سر راهش قرار بگیرد، بی‌جان می‌شود.
- از انواع بادها، باد زار، نوبان و مشایخ شیوع بیشتری دارند و چون مبتلایان همان دم هلاک نمی‌شوند، احتیاج به مراسم و مراقبت «اهل هوا» دارند.<sup>۵</sup>

### تشخیص زار

زار را از زبانی که دارد می‌شناسند که از کدام خاک و یا از کدام دیار آمده است. این تشخیص توسط بابازار یا مامازار صورت می‌گیرد. بابا برای تشخیص اینکه فرد واقعاً مبتلا به نوعی باد هست یا نه، نوعی درمان گیاهی را به تن فرد می‌مالد و نیز معجون دیگری که آن هم از داروی گیاهی ساخته شده است به وی می‌خوراند. هر زار وقتی که خون می‌خورد زبر می‌شود و به زبان در می‌آید و از درون کالبد شخص مبتلا و با حنجره وی با بابازار یا مامازار صحبت می‌کند و می‌گوید که از کدام دیار آمده است.

شیوع زارها در همه جا یکسان نیست. مرکز اصلی‌شان همان سواحل است، که زار از همان

طرف پیدا می‌شود. بابا بعد از اینکه مطمئن شد مریض دچار زار شده است وی را «هین» می‌کند. یعنی که تا زمان گرفتن مراسم برای تشخیص نوع زار و برآورد کردن درخواست زار، شیء یا مقداری پول به عنوان ودیعه که در نزد اهل هوا «هین» نامیده می‌شود، به بازوی مریض می‌بندند و از زار مهلت می‌خواهند تا در اولین فرصت مراسم را برگزار کنند.

### انواع زار

زار انواع متفاوتی دارد. این تفاوت در نوع ریتم حرکت و «آورد» و آواز است. تشخیص انواع زار توسط بابا یا مامازار است که در اولین برخوردی که با بیمار دارند، اعلام می‌کنند. این زارها عبارت‌اند از: متوری، شیخ سنگر، دینگامارا (Dingamara)، ام گاره، بومریوم (Bumaryom)، چین یاسه (Cinyase)، په په (Pepe)، دای کتو (Day keto)، بوجمبه (Bujambe)، بابور (Babur)، نمروود (Namrud)، تقرووری (Tagruri) و قصاص (Gesas). و انواع بادهای مسلمان به نام نوبان (نوبی)، مشایخ شامل: شیخ

فرح (شیخ فری)، شیخ ادربس، شیخ عثمان، شیخ جوهر، شیخ البحر، شیخ نائب، شیخ شریف، شیخ سیداحمد، شیخ سیدمحمد، شیخ جنو (جنی) می‌باشند.<sup>۷</sup>

متوری: به دو نوع زار جنگلی و صحرائی تقسیم می‌شود. محل اصلی‌اش سواحل آفریقا است. در ایران، به «باد سواحلی» معروف است. این باد صاف نیست و با سفره و خون و مراسم شعر



مشکل صاف می‌شود، زیرا متوری تنها نیست و همیشه همراه جنهای مضر و خطرناک به سراغ فرد می‌رود. متوری باد قانعی نیست همیشه لباسهای حریر و خلخال و خیزران طلا می‌خواهد. مبتلا ابتدا دچار گرفتگی قلب می‌گردد، سیاه می‌شود و می‌افتد. فریادهای بلند می‌کشد، غذا نمی‌خورد و دست و پایش خشک می‌شود.

سازهای متوری: ۱. شش عدد هل پی به pipe (دهل یک سر)، ۲. یک عدد زمری zamari به ساز متوری نیز معروف است. کرنای بسیار بزرگی است که صدای بم و بلند دارد مثل شیبه اسب از فاصله دور شنیده می‌شود.

**شیخ شنگر:** یکی از بادهای خطرناک است که همیشه در کوهها ساکن است. برای اینکه کسی را شکار کند از کوهها به طرف صحرا سرازیر می‌شود. این باد همیشه بدن مریض را جوش می‌دهد. شیها مانند بره سیاهی به خواب مریض می‌آید و او با وحشت از خواب می‌پرد و جیح می‌کشد. ترس و وحشت و جوش خوردن مبتلا روز به روز بیشتر می‌شود. بابازار معمولی نمی‌تواند از عهده شیخ شنگر بر بیاید. بابازار باید هفته خیزران<sup>۱۰</sup> داشته باشد. شیخ شنگر زار سنگینی است ولی کمتر دیده شده که کسی را هلاک کند.

۱. سازهای شیخ شنگر: دو عدد دهل دو سر بزرگ، ۲. یک عدد دایره، ۳. هفته عدد خیزران<sup>۱۰</sup>.

**دینگامارا Dingamara:** به شکل پیرزنی با هیکل قوز کرده در بالای کوهها دیده می‌شود. زاری است که هر کجا صدای دهل بلند می‌شود و بازی باشد در آنجا حاضر می‌شود. بیشتر زنها دچار این زار می‌شوند. شخص مبتلا اول چشم‌درد و سپس دچار عارضه سردرد می‌شود. این زار در سواحل ایران مخصوصاً بندرعباس دیده شده است. این زار در بازی «لیوا» حاضر می‌شود. این بازی آزاد و همگانی است و عده زیادی برای اجرای مراسم آن حاضر می‌شوند.

سازهای دینگامارا: ۱. دو عدد دهل بزرگ، ۲. یک عدد جره<sup>۱۱</sup>.

**ام گاره emgare:** این زار کافر است و برخلاف سایر زارها عمل می‌کند ولی مودی نیست و کمتر شخص را اذیت می‌کند. بیمار دلواپس و ناراحت است. زیاد راه می‌رود و شیها بیدار می‌ماند. گردش را دوست دارد و هفته‌ها عیش می‌زند، خنده از لبش نمی‌افتد و زیاد غذا می‌خورد. بعد از مدتی چاق و اهل عیش و عشرت می‌شود. افراد به دلیل شادابی این زار، طالب آن هستند. این زار در سواحل ایران کمتر دیده شده است.

سازهای ام گاره: سه دهل دو سر بزرگ یا متوسط احتیاج است.

**بومریوم Bumariom:** یعنی زار پدر مریم. فقط سراغ زنها می‌رود. زاری کم‌خطر و کم‌توقع است. او به یک پیراهن ساده و سفید و یک خیزران معمولی

قانع است. این زار همیشه منتظر است تا زنها با هم دعوا کنند. آن وقت به سراغشان می‌رود. گرفتار کم‌درد می‌شوند و زیاد آخم و گریه می‌کنند. در قدیم در سواحل ایران شایع بوده است و در هرمز و حوالی بندرعباس و میناب دیده شده است.

سازهای بومریوم: سه دهل دو سر معمولی **چین یاسه cinyase:** بادی است جنگلی که در سواحل ایران دیده نمی‌شود، مگر آدمهایی که به سواحل آفریقا رفته و گرفتار شده باشند. مردها دچار این زار می‌شوند. همیشه سر آبهای شیرین و سر چاهها و شطها کمین می‌کند. بیمار گم می‌شود و وقتی پیدا می‌شود آشفته حال در پای درختان پیدایش می‌کنند. اجرای این زار در ایران به صورت نشسته و در سواحل آفریقا سرپا اجرا می‌شود.

سازهای چین یاسه: ۱. پنج عدد خلخال<sup>۱۲</sup>، ۲. دو عدد دهل، ۳. دو عدد نقاره معمولی

**په‌په pepc:** بیشتر اعراب دچار این زار می‌شوند. این زار در دبی و قطر بیشتر از همه جا دیده شده است. شخص تب و مدتها سرفه می‌کند. سینه مریض را با میخ یا تکه آهن گداخته داغ می‌کنند ولی په‌په مانع می‌شود.

سازهای په‌په: ۱. یک عدد بول کم<sup>۱۳</sup>، ۲. یک عدد جره، ۳. یک عدد دایره

**نمرود Namrud:** این زار جزء بادهای مضر است و طرفهای عدن دیده شده است. در سواحل ایران کم است. این زار به صورت درد کمر یا درد پا ظاهر می‌شود.

سازهای نمرود: ۱. یک عدد دهل دو سر معمولی ۲. یک عدد جره ۳. یک عدد بول کم **تقروری Taguri:** زاری است که در عربستان و در صحرا وجود دارد. مریض به شکم‌درد مبتلا می‌شود. برای ریز کردن این زار از سه عدد دهل دو سر معمولی که دائم نواخته می‌شود استفاده می‌کنند.

**قصاص Gesas:** اگر کسی از اهل هوا را اذیت کند به سراغش می‌رود و قصاص می‌کند. باد قصاص منتقم زاران است. تا زار رضایت ندهد با هیچ کوبیدنی بیرون نمی‌رود. باد قصاص دهل ندارد و برای زیر کردنش آداب و رسوم لازم نیست. او با هر آهنگی ممکن است رضایت دهد.

**مابیت Mabit:** شبیه شیخ شنگر و متوری است. زاری است کافر که در سواحل ایران دیده نشده است. از زارهای معروف و خطرناک آفریقای است که جاشوان ایرانی، را که از آن سواحل گذشته‌اند، مبتلا می‌کند. این زار شامل دو زار خطرناک است به نام خماری khommari و ایاله Ayale که هر دو با شمشیر بازی می‌کنند.

**دای کتو Dayketto:** در سواحل ایران یافت می‌شود و زنهایی که بیشتر دچار آن شده‌اند. ابتدا بی‌حالت و سپس به تدریج بدنشان سخت می‌شود. این زار در بندرعباس و میناب و در فصل زمستان پیدا می‌شود.

سازهای دای کتو: ۱. یک عدد دهل دو سر بزرگ، ۲. دو عدد دهل دو سر متوسط **بوجمبه Bujambe:** یکی از بادهای صحرایی است. پیراهن بلند سفید به تن دارد. تنها زاری است که در سواحل آفریقا و عربستان و ایران با شمشیر بازی می‌کند زیرا به شمشیر علاقه خاصی دارد. مبتلایان اغلب بدن خود را با شمشیر زخمی می‌کنند. این زار در سواحل عربستان و قطر دیده شده است.

سازهای بوجمبه: ۱. یک عدد بول کم ۲. یک عدد دهل دو سر متوسط

**زار لیوا:** این مراسم در شبهای چهارشنبه با کوبیدن طبل بزرگ و خواندن اشعار، همراه با حرکاتی شبیه رقص صوفیان انجام می‌گیرد. این مراسم با از خود بی خود شدن یک یا چند نفر از مجریان ادامه می‌یابد تا به اوج می‌رسد و سرانجام در حالت آرامش اجراکنندگان، خاتمه می‌یابد.

این زار به مجردی هم معروف است. مجرد بودن نوعی بیماری است که ناشی از گذر کردن انسان به تنهایی از معابر متروک از سکنه است که منجر به حلول جن در تن شخص می‌گردد. مراسم مجردی عبارت است از پیدا کردن جن از تن بیمار. این مراسم چهارشنبه هر هفته توسط اهل هوا اجرا می‌گردد.

**بابور Babur:** زاری دریایی و همیشه روی دریاست. اطراف جهازها و لنجها که مسافرت طولانی می‌کنند، پرسه می‌زند. بیشتر سراغ جاشوان و کارگرانی که از خانه و کاشانه‌شان دور هستند، می‌رود. در ایران به آن «بابورچنی» می‌گویند. بیشتر مردها دچار آن می‌شوند. زیرا آنها به مسافرت‌های طولانی می‌روند. تشنه‌های شدید و گریه، گلوئی آنها را می‌گیرد.

سازهای بابور: سه عدد دهل دو سر

### چگونگی اجرای مراسم زار

روز قبل از اجرای مراسم یکی از اهالی اهل هوا خیزران به دست راه می‌افتد و تک‌تک درها را می‌زند و اهل هوا را برای بازی دعوت می‌کند؛ این فرد را «خیزرانی» می‌نامند.

بابازار و مامازار با دهلهای مخصوص در صدر مجلس قرار می‌گیرند. او یک دهل بزرگ به نام «مودندو» (Modendo) را روی سه پایه‌ای می‌گذارد. باباوری چهار پایه‌ای عقب دهل می‌نشیند. کنار دهل بزرگ یک دهل به نام «گپ‌دهل» که دو سر معمولی دارد و در کنار آن دهل دیگری به نام «کسر»<sup>۱۵</sup> در یک ردیف قرار دارند. جلوی مودندو سینی نقره یا ورشویی می‌گذارند که درون آن «گشته سوز»<sup>۱۶</sup> و «کندورک»<sup>۱۷</sup> را در آتش دود می‌کنند. بابازار ابتدا «مودندو» و بعد «گپ دهل» و سپس دهل «کسر» را دود می‌دهد و بعد «تنگ»<sup>۱۸</sup> شان را می‌گیرد و سر جایشان می‌گذارد. قبل از شروع مجلس سفره مفصلی پهن می‌کنند

یا دوی مخصوص زاران به تن او می‌مالند. برای بیرون کردن باد یا جن یا زار شخص مبتلا را می‌خوابانند و انگشتان شست پاهایش را با موی بز به هم می‌بندند. مقداری روغن ماهی هم زیر دماغ مبتلا می‌کشند و چند رشته موی بز (بعضی به جای موی بز موی سگ را آتش می‌زنند) هم آتش می‌زنند و زیر بینی او می‌گیرند. سپس بابا یا خیزران جن را تهدید می‌کند که از بدن وی خارج شود و با ضربه‌هایی که به تن بیمار می‌زند، جن با ناراحتی زیاد و با جیغ و داد مرکبش را رها و فرار می‌کند. بعد از قرار جن تنها برای زیر کردن باد و زار سفره و بساط بازی و آواز و نذر و نیاز و همچنین خون و قربانی برای تشکیل بازی بعدی

اگر چای یا قهوه برایش آوردند بعد از صرف آن نباید استکان یا فنجان را بر زمین بگذارد، بلکه باید منتظر بماند تا خادم بیاید و ظرف را از دست او بگیرد. کسی نباید بلند بلند حرف بزند. صحبت کردن جایز نیست. اگر کسی خلاف کند «حد» برایش معین می‌شود و این «حد» را بابا یا ماما زار تعیین می‌کند.

وقتی بابا یا ماما زار احتمال بدهد که شخص مبتلا به یکی از زارها شده است او را مدت هفت روز در حجاب و دور از چشم دیگران نگه می‌دارد. ابتدا بدن شخص را تمیز می‌شویند و بعد مدت هفت روز مانع از دیدن زن و سگ و مرغ توسط بیمار می‌شوند به علاوه در این مدت چشم هیچ زنی (محرم یا نامحرم) نباید بر وی بیفتد. فقط بابا زار یا ماما زار مراقب اوست. تمام شبها معجون

که در این سفره همه چیز موجود است. از انواع غذاها گرفته تا گیاهان معطر و ریاحین جنوب و میوه کنار (Konar) خرما و گوشت و خونی که برای مبتلای زار سر سفره لازم است. خون سر سفره، خون قربانی زار است و این قربانی معمولاً یک بز است که در همان مجلس سرش را می‌برند و خونش را در تشتی سر سفره می‌گذارند. معمولاً تا زار خون نخورد به حرف در نمی‌آید. اعتبار خون نشانه شدت و وابستگی شخص مبتلاست به اهل هوا. اعتبار و مقام هر بابا زار یا ماما زار به تعداد خونیهایی است که خورده است. در مجلس زار، آوردن اسم خدا و رسول خدا و ائمه اطهار (ع) حرام است. زیرا زار زیر نمی‌شود. هر کس که وارد می‌شود کفش خود را بیرون می‌گذارد و بدون سلام گفتن در جرگه اهل هوا می‌نشیند. در موقع نشستن نباید با هیچ یک از حاضران صحبت کند.



لازم است.

سر بیمار با پارچه‌ای پوشانده می‌شود و دیگران دایره‌وار او را احاطه می‌کنند. بابازار یا خیزرانی که در دست دارد می‌ایستد و شروع به آواز خواندن می‌کند و با هر ضرب آهنگ، بابازار با خیزران خود، اهسته به بیمار می‌زند و بیمار با ضربه آهنگ، سر خود را به چپ و راست حرکت می‌دهد.

موسیقی عنصری است که فرد زاری را به سوی خود می‌طلبد. هر زار موسیقی و شعر مخصوص دارد که ریتم آن بنا بر نوع شعر تغییر می‌کند.

### انواع موسیقی زار

موسیقی جنوب تقریباً به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. یک دسته بیشتر به کشورهای عربی شامل عراق، مصر و سوریه، کویت و بعضی کشورهای خلیج فارس گرایش دارند. مانند خوزستان.
۲. بعضی به کشورهای هند و پاکستان و افغانستان گرایش دارند مانند سیستان و بلوچستان.
۳. بعضی دیگر به کشورهای سواحل آفریقا و هندوستان و کشورهای جنوبی خلیج فارس گرایش دارند مانند بندرعباس.

نوع سازی که در این منطقه به کار می‌رود مربوط به خود این منطقه است. ولی سازهای خوزستان و سیستان و بلوچستان بیشتر به کشورهای عربی و هند شبیه است.

### محرمات اهل هوا

هر کس که در جرگه اهل هواست همیشه باید لباس تمیز و سفید تن کند و مرتب خود را بشوید و معطر کند و از محرمات زیر دوری کند:

۱. حق ندارد به مرده دست بزند. چه مرده انسان چه مرده حیوان.
۲. نباید به نجاست دست بزند و خود را آلوده کند.
۳. نباید جارو و لنگه کفش و غلیان را از بالای سر بیمار رد کنند.
۴. نباید لباس کثیف بر تن کند.
۵. اگر کسی بخواهد سیگارش را با سر غلیان یک نفر از اهل هوا روشن کند ابتدا باید اجازه بگیرد والا باد آن شخص به آزار مرگش می‌پردازد.
۶. نباید می بخورد و مست یا ناهرم نزدیکی کند.

ادامه دارد

### پی‌نوشت:

۱. دینی رامب سردهای روحانی و راهشایی را می‌نامند که در بزرگداشت «دوبو نیزوس» خدای شراب و باروری در یونان باستان اجرا می‌شد.
۲. اسکراک، براکت، تاریخ تئاتر جهان، ترجمه: هوشنگ آزادی‌پور، جلد اول، نشر نقره، سال ۱۳۶۳، ص ۳۳.
۳. جواد، حاجی، شناختنامه ساعدی، تهران، نشر آینه، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۹۱.
۴. زیر آمدن به معنی رها کردن مریض.
۵. غلام‌سعدی، غلام‌حسین، همان، ص ۵۰.
۶. غلام‌حسین، ساعدی، همان، ص ۱۸.
۷. خون فربلی مثل بیز و مرغ و خروس. چند قطره خون در آب می‌ریزند و توسط مریض خورده می‌شود.
۸. غلام‌حسین، ساعدی، اهل هوا، امیرکمپ، چاپ دوم، ۱۳۴۶، ص ۴۰.
۹. دایره دفا کوچک، به دایره رنگی نیز معروف است.
۱۰. خیزران چوبی است همانند عصا اما باریک‌تر و از کشورهای همچون عربستان می‌آورند.
۱۱. جزه دهل‌ی است که در مراسم زار مکمل دهل بزرگ و کتر می‌باشد. با چوب زده می‌شود.
۱۲. الگویی که زنان به با می‌بندند که در آن رنگولهایی وجود دارد که موقع راه رفتن به صدا در می‌آید. در موسیقی زار از این وسیله نیز استفاده می‌شود.
۱۳. بول کم: نوعی ساز شبیه دهل.
۱۴. ناهید، چهاری، اضافه‌های جنوب (بوشهر)، انتشارات مدبر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱، ص مقدمه (موجهه انشی).
۱۵. کتر، دهل مکمل جزه و دهل بزرگ که صدای زیر دارد و کل ریتم را حفظ می‌کند.
۱۶. گشته سوز: نوعی عود است که می‌سوزانند.
۱۷. کشور که مادهای شبیه شیره درخت که موقع سوزاندن آن دود سفید رنگی متصاعد می‌کند.
۱۸. تنگ: سفت کردن بندهای دهل و آماده ساختن برای کوبیدن.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله علمی و پژوهشی